

# الباب الحادى و العشر من الواحد الخامس فى صلوة المولود...

حضرت باب

اصلى فارسى



ORIGINAL



AUDIO

الباب الحادى و العشر من الواحد الخامس فى صلوة المولود  
و الميت يكبر خمس تكبيرات فى صلوة المولود و يقرء بعد  
الاول تسعة عشر مرة انا كل بالله مؤمنون و فى الثانى انا  
كل بالله موقنون و بعد تكبير الثالث انا كل بالله محيون و  
بعد الرابع انا كل بالله مميتون و بعد الخامس انا كل بالله  
راضيون و يكبر ستة تكبيرات فى صلوة الميت يقرء تسعة  
عشر بعد الاول انا كل لله عابدون و فى الثانى انا كل لله  
ساجدون و فى الثالث انا كل لله قانتون و فى الرابع انا كل  
لله ذاكرون و فى الخامس انا كل لله شاكرون و فى  
السادس انا كل لله صابرون.

ملخص اين باب آنكه آنچه حكم خداوند عالم باصالت نازل فرموده موهبه است از قبل او از براى "من يظهره الله" و كل بالتبع در ظل ظلال احكام الهيه وارد ميآيند

و از آن جمله اذن فرموده در نزد هر مولودى چه ذكر چه انثى صلوتى مرتفع گردد به پنج تكبير تا آنكه اسم الله بر آن ذكر شود لعل اگر ماند و يوم قيامت را درك كند از مؤمنين "بمن يظهره الله" گردد و هم در حين صعود او بمقام خود حكم فرموده بشش تكبير در صلوة واحدى تا آنكه مدل باشد كه بدء آن از هاء بوده و رجع آن الى الواو است لعل يوم قيامت باول من آمن "بمن يظهره الله" ايمان آورد و شؤونات ملكيه او را محتجب نگرداند زيرا كه اين امر بغايت بر غير موحدين صعب است

چه بسا آن نفس معروف نباشد و كل خود را معروف ميدانند چنانچه در ظهور فرقان بعد از عروج شجره حقيقت در ايمان بان نفس هويت ثابت نماند الا آنچه ظاهر است و حال آنكه كلا باعمال قرآن عمل ميكردند و حال آنكه حكم دون ايمان در حق آنها در صدر اسلام جارى گشت

از نزد همان نفس در نقطهٔ بیان هم همین قسم تصور کن که هر کس داخل در باب شد بیاب از روی بصیرت نجات یافت باین عمل نه باعمال دیگر زیرا که آن نفسی است که بدء کلشی از او است بالله و عود کل شیء بسوی او است بالله چه کم نفوس که از حین ظهور شجرهٔ بیان نظر بعرفان خود نموده و از آن محتجب گشته و حال آنکه عند الله کل مکلف بوده بآنچه مکلف شده اند و نزد خداوند اعلی و ادنی سواء بوده و هست

و امروز که می بینی که کل مؤمنند بامیر المؤمنین - علیه السلام - بواسطه آن است که خلاف ندیده و در دون محبت او پرورش نموده و الا اگر همین نفوس صدر اسلام می بودند همان ثلاثه که در حدیث موضوع شده میدیدی چنانچه در این کور که خداوند منت گذارد بر مؤمنین بعدد اسم "رحمن" از برای او شئون محبت بهم رسیده و این بواسطه نفس نقطه بوده که اگر باو منتهی میگشت امتحان مردم معلوم می شد که مؤمن خالص اقل از کبریت احمر است

امر باین صلوات از برای این است که اگر در یوم قیامت واقع گردد محتجب نگردد بعد کل اعتقاد نموده ولی در یوم ثمره ظاهر میگردد که چقدر صعب است بر من علی الارض که بنفسی که عقد قبص نداشته داخل در ایمان بخداوند شوند آنچه که در امیر المؤمنین - علیه السلام - شنیده خود ممتحن نگشته و تا دیده گنبد طلا و عز او را در نزد کل دیده و اگر در یوم او واقع میشدی و در آن ثلاثه می بودی آن وقت صادق بودی و حال آنکه آن روز سلمان و ابوذر و مقداد را ذکر لایق در حق ایشان نموده این است مبدأ اختلاف در هر ظهوری

طوبی از برای نفسی که ناظر بآنچه حجت بر آن حجت میگردد شود که آنوقت اقرب از لمح بصر اگر من علی الارض خواهند داخل در جنت میگردند بابواب آنها و می بینند سعه صراط را که اوسع است از ما بین سماء قابلیات و ارض مقبولات و در هر حال مراقب خود بوده که در امتحانات خداوندی قدم نلغزیده و مستمک بجبل کتاب گشته که هادی است کل متقین را

والله یبدء کلشی ثم یعیده و ان الی الله کل یرجعون.

